

عقیده الشیعة: تأسیل و توثیق من
خلال سبعین رسالة اعتقادیه من
القرن الثانی لغایة القرن العاشر
الهجری؛ محمدرضا انصاری قمی؛
قم: دارالتفسیر، چاپ اول، زمستان
۱۳۹۴ هـ / ۲۰۱۶ م.

بستان (۱)

هفتاد اعتقادنامه شیعی از قرن دوم تا دهم هجری

مریم حقی (کورانی)

نگاه نخست

این کتاب مجموعه‌ای از هفتاد متن است که توسط فقیهان و متکلمان شیعه درباره مهم‌ترین باورهای دینی نوشته شده است. بیش از نیمی از این متون برای نخستین بار است که تصحیح و منتشر می‌شود.

این متون از نظر موضوع به هم شبیه‌اند، اما از نظر زمان، مکان و زبان متفاوت‌اند. دو متن از این هفتاد متن از سده دوم و سوم و باقی از سده‌های بعدی است. نویسندگان شان در سرزمین‌هایی پراکنده از خراسان تا شامات می‌زیسته‌اند. نوشته‌ها گاه کوتاه و گاه بلندند و تعدادی فارسی و اغلب عربی‌اند. برخی به نظم و باقی به نثرند. برخی از زمان تألیف، عنوان «رساله» را بر خود داشته‌اند و برخی بخشی از کتابی بوده‌اند و اکنون به صلاحدید گردآورنده جدا شده و در اینجا آمده‌اند.

گردآورنده هدف خود را از تدوین این کتاب، «تأسیل و توثیق» باورهای شیعی دانسته و کوشیده است با فراهم آوردن و تصحیح متونی از پیش از دوره صفوی و متونی از اوایل دوره صفویه نشان دهد که اصول دین و مذهب شیعی از ابتدا تا کنون در یک راستا بوده است.

شرح

گردآورنده این کتاب حجت الاسلام محمدرضا انصاری قمی روحانی و پژوهشگری ایرانی است که پیش از این کتاب کهن «تاریخ قم» و چندین کتاب و رساله دینی را تصحیح و منتشر کرده و از نویسندگان دایرة المعارف تشیع و دانشنامه جهان اسلام است. به نظر می‌رسد که پیش از وی کسی متن کامل این تعداد از اعتقادیه‌های شیعی را یکجا فراهم نیاورده است. در کتابی که اینک معرفی می‌شود، بیش از پنجاه متن تصحیح هموست که براساس دستنویس‌هایی از کتابخانه‌های قم، تهران، مشهد، تبریز و نجف صورت گرفته است که برخی از دهه هفتاد تا کنون در مجموعه‌ها و مجلات پراکنده منتشر شده است، اما سی و هفت متن تازه است و برای نخستین بار چاپ می‌شود. متونی هم که تصحیح دیگران است یا در مجموعه کتاب «میراث اسلامی ایران» منتشر شده یا بخشی نیمه مستقل در کتابی چاپی بوده که به دلیل ارتباط موضوعی در این مجموعه آمده است.

۱. مانند ارجوزه شرح یاقوت.

چکیده:
کتاب عقیده الشیعه اثر محمدرضا انصاری قمی، مجموعه‌ای از هفتاد متن است که توسط فقیهان و متکلمان شیعه درباره مهم‌ترین باورهای دینی نوشته شده و بسیاری از آن‌ها برای نخستین بار است که از روی دست نوشته‌های کهن، تصحیح و چاپ می‌شوند. گردآورنده هدف خود را از تدوین این کتاب، «تأسیل و توثیق» باورهای شیعی دانسته و کوشیده است با فراهم آوردن و تصحیح متونی از پیش از دوره صفوی و متونی از اوایل دوره صفویه نشان دهد که اصول دین و مذهب شیعی از ابتدا تا کنون در یک راستا بوده است. نویسنده در نوشتار حاضر می‌کوشد در راستای معرفی کتاب، آن را در بونه نقد و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها:
کتاب عقیده الشیعه، اعتقادنامه شیعی، محمدرضا انصاری قمی، معرفی کتاب، باورهای دینی.

می‌کرد و هر کدام را در اثری جداگانه پی می‌گرفت، راه ایراد را بر خواننده نکته بین می‌بست. همچنین جا داشت تا گردآورنده - مصحح - مقدمه نویس گرامی هر جا که از چند نسخه بهره برده، نسخه بدل‌ها را در پاورقی بیاورد (چنان‌که برای رساله فخریه آورده است) و در مقدمه آغازین کتاب نیز فهرستی از آثاری را که خود تصحیح کرده و آثاری که برای نخستین بار منتشر می‌شود ارائه کند و درباره روش تصحیح متون توضیح بیشتری دهد. با این حال هم‌اکنون نیز با بررسی فهرست و خواندن تک تک مقدمه‌ها می‌توان به جدولی که در پایان این گفتار آمده دست یافت.

اینک چند نکته جزئی را که در توثق کتاب به چشم آمد از نظر می‌گذاریم و پس از آن به ارزش این کتاب برای پژوهشگران می‌پردازیم تا این گفتار را با قدردانی از تلاش گردآورنده گرامی به پایان رسانده باشیم.

- ای کاش گردآورنده محترم عکس برخی از نسخ خطی اساس را در کتاب می‌آورد، به ویژه نسخه‌های خاص ترمانند دست‌نویس‌های نادر، دشوارخوان و یا زیبا.

- اگر شماره هر رساله در فهرست و سرصفحه‌ها می‌آمد، کار را بر خواننده آسان‌تر می‌کرد.

- عنوان رساله سوم را «وصف دین الامامیه (اعتقادات الشیخ الصدوق)» و پنجم را «اعتقادات الصدوق» نوشته‌اند، اما با توجه به مطالب مقدمه رساله سوم (ص ۶۳)، عبارت درون پرانتز برای رساله «وصف دین الامامیه علی‌الایجاز و الاختصار» صحیح نیست.

- در فهرست، نام نویسنده رساله سی و پنجم «الحسین» آمده که با توجه به مقدمه متن باید «احمد بن الحسین» باشد. گویا در عنوان این رساله یا رساله پیشین باید تجدید نظر شود (چون مصحح محترم گفته‌اند که یکی را حسین ابن العودی نوشته و دیگری را پسرش احمد، اما عنوان هر دو «عقیده ابن العودی» است.

- چنان‌که نویسنده گرامی در مقدمه رساله چهارم و یکم اشاره کرده، این رساله ترجمه فارسی رساله چهارم است، پس می‌بایست در عنوان و فهرست یا نام فخرالمحققین به عنوان نویسنده بیاید و یا پیش از ذکر نام صدرالدین واژه «الترجمة» افزوده شود تا بدون خواندن مقدمه رساله هم پیدا باشد که نویسنده هر دو رساله یکی است.

- ظاهراً مقدمه رساله هفدهم (ص ۳۵۳) در ویرایش نهایی جا افتاده است؛ زیرا مصحح محترم در ابتدا گفته است که نسخه‌ای که اساس تصحیح ما بوده، جای تردید در نام نویسنده نمی‌گذارد (قد تزیل الشک عن اسم مؤلف هذه الرسالة)، اما در پایان آمده که به نظر می‌رسد با دو تن سروکار داریم: یکی استادی که اعتقادنامه را نوشته (رساله

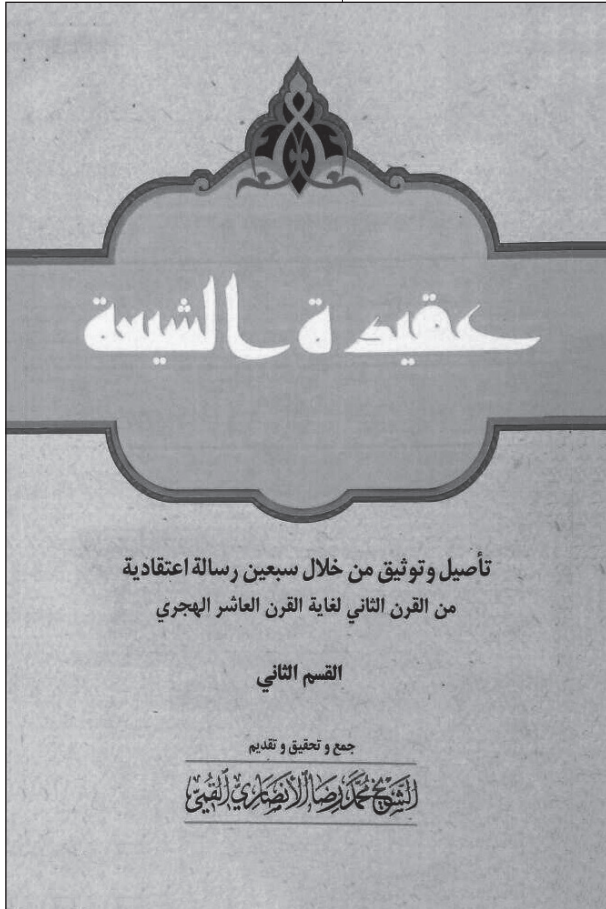
ساختار کتاب از این قرار است: با پیش درآمدی حدوداً چهل صفحه‌ای تحت عنوان «تقدیم» (=مقدمه) با موضوع تاریخ تشیع آغاز می‌شود.^۲ سپس هفتاد متن کهن به ترتیب تاریخ درگذشت نویسندگان آورده شده و پیش از هر متن، مقدمه‌ای کوتاه (یک تا سه صفحه) آمده است. در اینجا است که گردآورنده - مصحح گرامی درباره نویسنده، مترجم یا ناظم متن، منابع متن، تصحیح آن و... توضیح می‌دهد. در پایان نیز نام متون، نویسندگان و سال یا سده درگذشت آنها فهرست شده است.

گردآورنده گرامی تمامی متون فراهم آمده در این کتاب را «رساله اعتقادی» می‌نامد؛ زیرا به جزیک مورد، تمام آنها نوشته‌هایی کم‌وبیش کوتاه و مستقل‌اند که توسط بزرگان دین و به منظور آگاهی دیگران از مفاهیم اساسی دین نوشته شده‌اند. آن یک مورد هم گزارش گفتگوی یکی از امامان شیعه با یک صحابی پیرامون همین موضوع است (رساله دوم، عرضه ایمان حضرت عبدالعظیم بر امام هادی علیه السلام). گردآورنده در پیش درآمد کتاب می‌نویسد که یکی از ملاک‌های او در گزینش این رساله‌ها، فقیه و امامی بودن نویسنده متن است و ضمن احترام به آرای فلاسفه، محدثان و مفسران، آرای آنان را آرای رسمی مذهب شیعه نمی‌داند. وی همچنین می‌افزاید که از ذکر آرای عارفان و صوفیان - هر چند شیعی - و نیز آرای غلات، عوام و آرای شاذ برخی فقها خودداری کرده است تا این مجموعه آینه‌ای از آرای پذیرفته علمای شیعه باشد.

با بررسی کتاب می‌توان دریافت که گردآورنده تلاش کرده است تا هم‌زمان به دو هدف اصلی دست یابد: نخست، معرفی چندین اعتقادنامه که تعدادی را خود تصحیح کرده است. دوم نشان دادن تبار اعتقادات شیعه و رساندن آن به زمان اهل بیت (ع)، به ویژه در برابر کسانی که تشیع پیش از صفوی را از تشیع نخستین (تشیع علوی) جدا پنداشته‌اند. وی علاوه بر این دو هدف اصلی کوشیده است که با رساندن شمار متون به هفتاد (ولو با دو بار شمردن اصل و ترجمه یک متن یا صورت نظم و نثریک اثر) بر زیبایی و تأثیرگذاری کتاب بیفزاید.

به نظر نمی‌رسد که هدف نویسنده گردآوری هر آنچه هست باشد. ظاهراً وی در این گردآوری دست به گزینش زده است، اما جای افسوس دارد که این گزینش با معیار یک دست و استواری صورت نگرفته؛ زیرا برخی از این متون از بزرگان شیعه (و به قول گردآورنده از اعلام امامیه) است؛ مانند شیخ صدوق، مفید، طوسی، خواجه نصیر یا علامه حلی و برخی از نویسندگانی ناشناس و کم‌تأثیر. برخی حاوی دقایق کلامی و استدلال‌های فلسفی است و برخی برای کودکان مکتب نوشته شده است. چه بسا اگر گردآورنده گرامی دو هدف اصلی خود را از هم تفکیک

۲. مطالب مقدمه، البته بی‌آنکه ارجاعی در آن باشد، ممکن است خواننده را به یاد مطالب کتاب «تاریخ تشیع در ایران» یا کتاب «اضواء علی عقائد الشیعة الامامیه و تاریخهم» بیندازد.



هفدهم) و دیگر شاگردی که آن را به نظم درآورده است (رساله هجدهم) و سزاوار است که همچنان در نام نویسنده مردّد باشیم (بیغی الشک فی اسم المؤلف باقیاً). سپس در مقدمه رساله هجدهم (ص ۳۵۷) بدون ابراز تردید، به تفاوت شاگرد ناظم و استاد وی اشاره کرده است.

- مصحح محترم در مقدمه رساله بیستم (الخلاصة فی علم الکلام) اشاره کرده که افتادگی‌های نسخه اساس، کار تصحیح را بسیار دشوار کرده است. ای کاش در متن این بخش‌ها را نشان می‌داد و با تصحیح آقای رضا مختاری از این رساله (میراث اسلامی ایران، دفتر اول، ۱۳۷۷) مقایسه می‌نمود.

- در ص ۲۵۹ ظاهراً واژه «الرابعة» زاید است.

- در خط آخر ص ۶۰۱ اموات به جای اموت تایپ شده و در ص ۶۵۸ بند اول ظاهراً به جای «رساند» باید «رسانده» باشد. نیز در بند دوم «حضرات اله» ممکن است درست خوانده نشده باشد.

- ترتیب تاریخی آوردن رساله‌ها در رساله شصت و پنجم (شهید ثانی) به هم خورده است.

- تاریخ زندگی محقق حلی در فهرست (ص ۹۸۳) به غلط ۶۰۲ تا ۷۶۷ تایپ شده و تاریخ درگذشت ابن ابی‌الجمهور احسائی در فهرست (ص ۹۸۷) «حدود القرن العاشر» تایپ شده است.

- ترجمه‌های متفاوتی از نام کتابخانه‌های ایران ارائه شده که می‌بایست یکسان شود. مثلاً کتابخانه آستان قدس رضوی یک جا به صورت «آستان قدس» و یک جا به صورت «عتبة الامام الرضا» ترجمه شده. یا «کتابخانه مجلس شورای اسلامی» به صورت «مکتبة مجلس الشوری الاسلامی بطهران»، «مکتبة الشوری الاسلامی» و «مکتبة برلمان الایرانی» ترجمه شده. همچنین است کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (المکتبة المركزية لجامعة طهران).

این کتاب چه کمکی به پژوهش‌های آینده می‌کند؟

باید گفت که نویسنده کتاب «عقیده الشیعة» گنجینه گران‌بهایی از متون دینی شیعی را گرد آورده که با کاوش در آن می‌توان به پاسخ‌هایی ارزشمند برای پرسش‌هایی در باب تاریخ معارف شیعی دست یافت. پرسش‌هایی از این دست: از گذشته تا کنون برای وصف و شرح مفاهیم دینی چه واژگانی به کار می‌رفته و چه ظرافت‌ها و دقایقی در این کاربردها نهفته است؟ هر نویسنده‌ای نظریه مخاطب و وضع محیط و دیدگاه خود، دین را چگونه معرفی کرده است؟ از نظر هر یک از نویسندگان تعریف دینداری چیست و اصل و رکن مسلمانان به چیست؟ این نظرات چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با آرای اصحاب مذاهب دیگر دارد؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان احادیث معصومان و صورت‌بندی آن احادیث به دست پیروان آنان دیده می‌شود؟ با گسترش ترجمه، رونق تصوف و تأثیر علوم اوایل، علمای شیعه در اصطلاحات و اسلوب بحث‌های ایمانی چه تغییری داده و به نیازهای زمان خود چگونه واکنش نشان داده‌اند؟

اجازه دهید پرسش‌هایی جزئی‌تر را از نظر بگذرانیم. کهن‌ترین متن مذکور در این کتاب روایت فضل بن شاذان، صحابی ایرانی تبار امام علی بن موسی الرضا (ع) است. او می‌گوید که مأمون عباسی از حضرت خواست تا «محض الاسلام» (اسلام محض، جوهره اسلام) را برای وی بنویسد. حضرت رساله‌ای نوشت که

و فؤاد (به معنی دل) آمده است.^۵ ظاهراً واژه کلام نیز در معنی مجموعه باورها در کتاب و سنت نیامده است. یکی از پژوهشگران بنام معاصر به نقل از ابن خلدون نخستین کاربرد «علم الکلام» را درباره معتزله می‌داند و برای مثال می‌افزاید هنگامی که شافعی از «اهل الکلام» نام می‌برد، منظور وی معتزله است.^۶ البته اصطلاح کلام به تدریج دامنه گسترده‌تری یافت. گفتنی است که واژه «الهیات» نیز در گذشته معنای خاص‌تری برابر با فلسفه اولی (در تقسیم‌بندی ارسطو از علوم) داشته و ظاهراً توسط ابن سینا در بحث از خدا و مجردات رواج یافته است.^۷

همچنین پیدا است که نوشتن اعتقادنامه‌ها با انگیزه‌های گوناگون و برای مخاطبان گوناگون صورت گرفته است و این خود می‌تواند زمینه‌ای دیگر برای پژوهش باشد. برای مثال به نظر می‌رسد در نامه حضرت امام رضا (ع) بیشتر بر نکاتی تأکید شده که موضع امام را در اختلافات میان مسلمانان نشان می‌دهد و با معرفی دین به غیرمسلمانان^۸ تفاوت بسیار دارد یا مثلاً سن و سال مخاطبان در ارائه مطلب مؤثر بوده است و برخی از رساله‌های این مجموعه، ویژه آموزش کودکان نوشته شده است. رساله هفدهم و هجدهم با عنوان «تلقین اولاد المؤمنین» که یکی به نثر و دیگری به نظم است.

از این رو جا دارد تا این کتاب و متون گردآمده در آن مورد توجه دین پژوهان (به ویژه پژوهشگران تاریخ کلام شیعه)، علاقه‌مندان به سبک‌شناسی متون و پژوهشگران تاریخ اجتماعی قرار گیرد.

راهنمای جدول

تازه: برای اولین بار تصحیح و در کتاب عقیده الشیعیه (به کوشش محمدرضا انصاری) چاپ شده

بخشی از کتاب: بخشی از کتابی بوده که پیش از این توسط دیگری چاپ شده

میراث: پیش از این در مجموعه کتاب میراث اسلامی ایران (به کوشش رسول جعفریان) چاپ شده

بهارستان: نشریه گنجینه بهارستان

۵ برای نمونه صدوق در خصال از امام رضا (ع) روایت می‌کند که: «الایمان عقْد بالقلب، لفظ باللسان، عمل بالجوارح». و نیز این حدیث امام صادق در بحار الانوار به نقل از تفسیر عیاشی: «... یسأل السمع عما یسمع، والبصر عما یطرف، والفؤاد عما عقْد علیه.»

۶ هاری ولفسون؛ فلسفه المتکلمین؛ ترجمه مصطفی لبیب عبدالغنی، قاهره: المجلس الاعلی للثقافة، ۲۰۰۵، ص ۷۶.

۷ رک به: محمدجواد انوری، «الهیات»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۸ مقایسه کنید با مناظره‌های ایشان با اهل کتاب در کتاب عیون اخبار الرضا از شیخ صدوق.

این‌گونه آغاز می‌شود: «إِنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا...». سپس حضرت عباراتی را درباره خداوند، عبادت، دعا، رغبت و رهبت، پیامبر و ملت و شریعت، انبیای دیگر، ایمان به قرآن، دوازده امام و راهنمای پس از پیامبر، خالی نشدن زمین از حجت خدا، اهمیت پرهیزگاری و پاکدامنی، راستی و پایداری، بازگرداندن امانت هم به نیکان و هم به ستمکاران، سجده طولانی، صبر، معاشرت و... آورده و در پایان به نحوه وضو گرفتن، غسل‌ها و نمازهای واجب و مستحب اشاره کرده است.

شایسته توجه است که در این روایت، حضرت نه واژه اعتقاد را به کار برده، نه واژه اصول، نه ارکان، نه مذهب، نه اخلاق، نه شریعت و نه احکام را، اما از مضامینی سخن گفته است که در جای دیگر (احتمالاً بعدها) تحت این عناوین رده‌بندی شده‌اند. فقط یافتن نمونه این رده‌بندی‌ها در سخن معصومان و دیگران (از شیعه و سنی و مسلمان و کافر) می‌تواند موضوع چندین پژوهش بایسته باشد. برای مثال تنها با تورق همین کتاب می‌توان با واژگانی که در این ده قرن در وصف دین و ایمان به کار رفته آشنا شد: الایمان، الدین، المذهب، المعرفة، الاعتقاد فی...، القول فی...، المسئلة فی (مثلاً معرفة الله) و یا می‌توان زبان بیان معارف دینی در ذیل موضوعی خاص - مثلاً معرفت خدا - را مطالعه کرد.

گفتنی است که با آنکه سه واژه «اسلام»، «دین» و «ایمان» در قرآن کریم و حدیث معصومان (ع) بارها تکرار شده، اما واژه‌های «اعتقاد» و «عقیده» نه در قرآن آمده^۳ و نه تا جایی که نگارنده جستجو کرد در حدیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع).^۴ البته در احادیث ائمه، در وصف ایمان، فعل عقد (به معنی بستن یا پیمان بستن) همراه با واژه‌های قلب

۳ در قرآن کریم الفاظ «عَقَدَ»، «عَقِدُوا» و «عَقْدَهُ» در مورد پیمان به کار رفته است. همچنین آمده است: «وَأَحْلَلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي» و «الْفَلْغَاتُ فِي الْعَقْدِ». رک مفردات الراغب الاصفهانی مع ملاحظات العالمی، قم، دار المعرفه، ص ۵۲۱.

۴ باید بگویم اصل این ایده از من نیست. چند سال پیش از زبان دکتر رشید بن عیسی Rachid (Benaissa) فعال فرهنگی الجزایری تبار شنیدم که واژه اعتقاد در قرآن و سنت نیامده و به جای آن، واژه‌هایی چون ایمان به کار رفته است. گفتنی است که جوهری، فرهنگ‌نویس دقیق قرن چهارم، در صحاح ذیل مدخل «عقد» این دو اسم مشتق را نیاورده (البته عقیده به معنی عهدکننده و فعل اعتقاد به معنی بستن آمده است). در دایرة المعارف بزرگ اسلامی نیز «اعتقاد» مدخل جداگانه‌ای ندارد و در عوض به «ایمان» ارجاع داده شده است. متأسفانه اعتقاد به یا اعتقادنامه نیز در این دایرة المعارف مدخلی ندارد. هنگامی که در پی این موضوع کتاب گرانمایه فؤاد سرگین را دیدم باز هم بر شگفتی‌ام افزود؛ زیرا گرچه در ترجمه عربی و فارسی کتاب او (به ترتیب: تاریخ التراث العربی و تاریخ نگارش‌های عربی)، عنوان فصل پنجم از جلد اول «عقاید» است، اما در متن اصلی آلمانی به جای این واژه عربی، معادلی آلمانی برای آن به کار رفته (بر خلاف واژه‌های فقه و حدیث). (رک به: سرگین؛ تاریخ نگارش‌های عربی؛ به کوشش خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۷۳) البته همچنین باید منابعی همچون متن اصلی کتاب «میراث مکتوب شیعه» را که استدراک‌گونه‌ای برای کتاب سرگین است بررسی کرد. بنده در زین‌مقام که در این کتاب، واژه عقاید تعبیر نویسنده و مترجمان است یا متون. (مدرسی طباطبایی؛ میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری؛ دفتر اول، ترجمه سیدعلی قرانی و رسول جعفریان؛ قم: نشر موزن، ۱۳۸۶)

قرن	نویسنده متن	نخستین چاپ	نسخه
۰۱	۲ امام رضا (ع)	بخشی از کتاب + تصحیح انصاری	
۰۲	۳ عبدالعظیم حسنی	بخشی از کتاب	
۰۳	۴ شیخ صدوق	بخشی از کتاب	
۰۴	۴ شیخ صدوق	بخشی از کتاب	
۰۵	۴ شیخ صدوق	بخشی از کتاب	
۰۶	۵ یا ۴ ابراهیم بن نوبخت (؟)	بخشی از کتاب	
۰۷	۴ صاحب بن عبّاد	بخشی از کتاب	
۰۸	۵ و ۴ شیخ مفید	بخشی از کتاب	
۰۹	۵ و ۴ شیخ مفید	بخشی از کتاب	
۱۰	۵ و ۴ شیخ مفید	بخشی از کتاب	
۱۱	۵ و ۴ شریف مرتضی	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۱۲	۵ و ۴ شریف مرتضی	بخشی از کتاب	
۱۳	۵ و ۴ ابوصلاح حلبی	بخشی از کتاب	
۱۴	۵ و ۴ ابوالفتح کراچکی	تصحیح انصاری	چاپ سنگی
۱۵	۵ ابوالحسن حلبی	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۱۶	۵ و ۴ شیخ طوسی	تصحیح انصاری - بهارستان	مجلس
۱۷	؟ زین الدین آوی	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۱۸	قبل ۹ شاگرد آوی	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۱۹	۶ سدیدالدین حمّصی	تصحیح انصاری - میراث	
۲۰	؟ ۷ قطب الدین سبزواری	تصحیح انصاری - تازه	
۲۱	۷ خواجه نصیر طوسی	تصحیح انصاری - تازه	آستان قدس + مرعشی + چاپ سنگی
۲۲	۷ خواجه نصیر طوسی	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۲۳	۷ ظهیرالدین راوندی	تصحیح انصاری - تازه	دانشگاه تهران؟
۲۴	؟ ۷ محقق حلّی	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۲۵	۸ یا ۷ شهاب الدین حلّی	تصحیح انصاری - تازه	آکسفورد - عکس در قم + نسخه مرعشی
۲۶	۸ فریدالدین بیهقی	تصحیح انصاری - تازه	دانشگاه تهران
۲۷	۸ نجیب الدین استرآبادی	تصحیح انصاری - در میراث	
۲۸	۸ شهید اول	تصحیح انصاری - تازه	مرعشی
۲۹	۸ شهید اول	تصحیح انصاری - تازه	مرعشی
۳۰	۸ شهید اول	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۳۱	۸ شهید اول	تصحیح انصاری - در میراث	مجلس
۳۲	۸ ناشناس	تصحیح انصاری - در میراث	مجلس
۳۳	۸ علی بن طاهر صوری	تصحیح حسین طباطبایی در میراث	
۳۴	۸ حسین، ابن عودی حلّی	تصحیح حسین طباطبایی در میراث	

قرن	نویسنده متن	نخستین چاپ	نسخه
۳۵. ۸	احمد ابن عودی حلی	تصحیح حسین طباطبایی در میراث	
۳۶. ۸ و ۷	علامه حلی	تصحیح حسین طباطبایی در میراث؟	
۳۷. ۸ و ۷	علامه حلی	تصحیح انصاری - در میراث	مجلس
۳۸. ۸ و ۷	علامه حلی	تصحیح انصاری - میراث	مرعشی
۳۹. ۸ و ۷	علامه حلی	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۴۰. ۸	فخرالمحققین	تصحیح رسول جعفریان در میراث	
۴۱. ۸	فخرالمحققین	تصحیح رسول جعفریان در میراث	
۴۲. ۸	فخرالمحققین	تصحیح انصاری - تازه	مرعشی
۴۳. ۸	فخرالمحققین (؟)	تصحیح انصاری - تازه	آستان قدس + مرعشی
۴۴. ۸	ناشناس	تصحیح انصاری - تازه	حکیم (نجف)
۴۵. ۸	ناشناس	تصحیح انصاری - در میراث	مجلس
۴۶. ۸	ناشناس	تصحیح انصاری - در میراث	مرعشی
۴۷. ۹ و ۹	ناشناس	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۴۸. ۹ و ۹	ناشناس	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۴۹. ۹	سید علی دقماق	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۵۰. ۹	سید علی دقماق	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۵۱. ۹	عبدالسمیع بن فیاض	تصحیح انصاری - تازه	مجلس
۵۲. ۹	ضیاءالدین جرجانی	تصحیح انصاری - تازه	دانشگاه تهران
۵۳. ۹	ضیاءالدین جرجانی	تصحیح انصاری - تازه	دانشگاه تهران
۵۴. ۹	ضیاءالدین جرجانی	تصحیح انصاری - تازه	مرعشی
۵۵. ۹	ضیاءالدین جرجانی	تصحیح انصاری - تازه	دانشگاه تهران
۵۶. ۹	ضیاءالدین جرجانی	تصحیح انصاری - تازه	آستان قدس
۵۷. ۹	ضیاءالدین جرجانی	تصحیح انصاری - تازه	پاکستان - عکس در قم
۵۸. ۹	ضیاءالدین جرجانی	تصحیح انصاری - تازه	دانشگاه تهران
۵۹. ۹ و ۹	ناشناس (جرجانی؟)	تصحیح انصاری - تازه	دانشگاه تهران
۶۰. ۹	ناشناس	تصحیح انصاری - در میراث	مجلس
۶۱. ۹	عزالدین آملی	تصحیح انصاری - در میراث	مرعشی
۶۲. ۱۰	محقق کزکی	تصحیح انصاری - تازه	مرعشی و آستان قدس
۶۳. ۱۰	زین الدین شدقم مدنی	تصحیح انصاری - در میراث	مرعشی
۶۴. ۱۰	عزالدین حارثی	تصحیح انصاری - تازه	تبریز
۶۵. ۱۰	شهید ثانی	تصحیح انصاری - تازه	حکیم (نجف)
۶۶. ۱۱ و ۱۰	شیخ بهابی	تصحیح انصاری - در میراث	مرعشی
۶۷. ۱۰	منصوری جزائری	تصحیح انصاری - بهارستان	مجلس
۶۸. ۱۰	ابن ابی الجمهور	تصحیح انصاری - تازه	مرعشی
۶۹. ۱۰	یوسف بن برکه	تصحیح انصاری - تازه	مرعشی
۷۰. ۱۰	ناشناس	تصحیح انصاری - تازه	مجلس